

محاضرات فى مادتي (الاساليب الفارسية الحديثة) س 4 فارسى ومادة)
موضوع خاص فى الترجمة) للفرقة الرابعة فارسى السن (آداب سوهاج –
الاسن) (المحاضرة الثانية):
• دكتور / عبد الواحد أحمد اسماعيل بدران

- # در خانه میمانیم ، فیرووس کورونا را شکسته میدهیم
- # نبقی فی المنزل , , , , , , , , , , نهزم فیروس کورونا
- (# خلیک فی البیت , # درخانه بمان)
- (# خلیکوا فی المنزل , # درخانه بمانید)

من قوال النبي عليه السلام
(قِيدُوا الْعِلْمَ : قَالَ شَخْصٌ وَكَيْفَ تَقْيِيدُهُ (قِيلَ وَمَا تَقْيِيدُهُ) ؟ , قَالَ كِتَابَتُهُ –

(علم را در بند کنید , کسی پرسید , چگونه باشد در بند کردن آن ؟
فرمود آنرا بنویسید .)

المحاضرة الثانية :

پروین : امشب مهمون داری ، نه ؟

زهره : آره ، خواهر شوهرم مهمونمونه، با شوهر و بچه هاش.

یروین : مکہ خواہر شوہرت جن تا بچہ دارہ ؟

زهرة: خواهر شوهرم م....م ...م سه تا . به دختر و دو تا پسر .

یروین : اونا چن سال شونه ؟

زهره : دخترشون چارسالشه , واقعا دختر پر حرفيه , ولی با هوشه ,
پسرانشون شیش ساله و نه ساله ان , اونا بچه های شیطونین .

پروین : خب , پس امروز سرت خیلی شلوغه , كمك می خوای ؟

زهره : نه , خیلی ممنون , الان این سبزا رو پاك می كنم بعد اتاقا رو گردگیری
می كنم, بعد از ظهر , آشپز خونه رو مرتب می كنم , وعصر شام می پزم .

أ - زندگی در تهران : تهران پایتخت ایران , بزرگترین, شلوغ ترین و
پرجمعیت ترین شهر ایران است , بیشتر این جمعیت را مهاجرانی تشکیل داده اند
که از شهرها و روستاهای سراسر کشور به تهران آمده اند و در مناطق
مختلف شهر یا حومه اقامت کرده اند .

ب - جمال و کمال باجناب بودند , آنها عصرها به قهوه خانه اي در وسط بازار
می رفتند و قلیان می کشیدند , جمال گفت : دوتا چای , کمال هم گفت : لطفای
مرا در استکان تمیز بیاور , فراموش نکن , بعد از مدت , شاگرد قهوه جی گفت :
گدام يك از شما می خواست که چایش در استکان تمیز باشد؟

.....

الترجمة :

بروین : ألدیکم ضیوف اللیلة ؟

زهره : نعم , أخت زوجی ضیفتی مع زوجها و أطفالها .

بروین : أتقولین أخت زوجك , كم طفل لديها ؟.

زهره : أخت زوجی لديها ثلاثة , ابنة و ولدان.

بروین : كم أعمارهم ؟ .

ابنتهم عمرها أربع سنوات وهی ثرثرة , و لكنها ذکیة و أبناءهم ست سنوات
وتسع سنوات , هم أطفال أشقیاء .

يجعل زهرة : لا , ممنونة لك , الآن , انظف الخضروات , ثم أرتب الحجرات , و
بعد الظهر , أرتب المطبخ , و العصر , أطهى طعام العشاء .

.....

أ – الحياة في طهران : طهران هي عاصمة ايران , وهي أكبر مدن إيران و
أكثرها ازدحاما وسكانا, و قد شكل المهاجرون أكثر سكانها الذين قدموا من مدن و
قرى جميع ايران و أقاموا في مناطق مختلفة من المدينة أو حولها .

ب – كان جمال و كمال عدلين , و أوقات العصر , كانا يذهبان الى مقهى في
وسط السوق , و يسحبون النرجيلة , قال جمال : كوبان من الشاي , وقال كمال
أيضا : لو سمحت نظف كوب الشاي الخاص بي , و لا تنس , و بعد فترة , قال
القهوجي : أي منكما كان يريد أن يكون شايه في كوب نظيف

.....

ترجم و حل و تدرب على أسئلة mcq :

- پروين : امشب مهمون داری , نه ؟
- زهره : آره , خواهرشوهرم مهمونمونه, با شوهر و بچه هاش.

.....
.....
.....
.....

- پروين : مكه خواهر شوهرت چن تا بجه داره ؟
- زهره :خواهرشوهرم م...م ...سه تا ,به دختر ودو تا پسر .

.....
.....
.....
.....
.....
.....

- پروين : اونا چن سال شونه ؟
- زهره : دخترشون چارساله , واقعا دختر پر حرفيه , ولی با هوشه ,
پسرشون شيش ساله و نه ساله ان , اونا بچه های شیطونين .

.....

.....

.....

.....

.....

.....

- پروین : خب , پس امروز سرت خیلی شلوغه , كمك می خوای ؟
- زهره : نه , خیلی ممنون , الان این سبزبا رو پاك می كنم بعد اتاقا رو گردگیری می كنم, بعد از ظهر , آشپز خونه رو مرتب می كنم , وعصر شام می پزم .

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

- - زندگی در تهران : تهران پایتخت ایران , بزرگترین, شلوغ ترین و پرجمعیت ترین شهر ایران است , بیشتر این جمعیت را مهاجرانی تشکیل داده اند که از شهرها و روستاهای سراسر کشور به تهران آمده اند و در مناطق مختلف شهر یا حومه اقامت کرده اند .

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

- – جمال وکمال باجنابق بودند , آنها عصرها به قهوه خانه اي در وسط بازار می رفتند و قلیان می کشیدند

.....

.....

.....

- جمال گفت : دوتا چای , کمال هم گفت : لطفا چای مرا در استکان تمیز بیاور , فراموش نکن , بعد از مدت , شاگرد قهوه جی گفت : کدام يك از شما می خواست که چایش در استکان تمیز باشد؟

.....

.....

.....

.....

.....

.....